



از «چهل پنجره» هم بیشتر

○ هادی خورشاهیان



- عنوان کتاب: چهل پنجره
- نویسنده: طاهره ایبد
- ناشر: پیدایش
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۸
- شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
- تعداد صفحات: ۹۶ صفحه
- بها: ۳۵۰ تومان

دینی آن بزرگواران، به مراتب از نوشتن کتاب‌های تاریخی و زندگی‌نامه حساس‌تر است، اما متأسفانه سهل‌تر گرفته می‌شود و بسیاری، از خود ناشران گرفته تا نویسندگان دم دست آن‌ها، بدون توجه به ذهن و زبان مخاطب، برای کسب روزی دنیوی و پاداش اخروی، دست به نگارش آثاری درباره معصومین و انبیاء می‌زنند.

دو:

«چهل پنجره» نثر خوبی دارد؛ یعنی در واقع نثر خیلی خوبی دارد. اشتباهی هم در داستان یا حکایات تاریخی آن به چشم نمی‌خورد. علایم سجاوندی هم سر جای خود نشستند. اما آیا این زیبایی‌ها و بی‌عیبی نثر، کار نویسنده است یا کار ویراستار؟ وظیفه ویراستار چیست؟ نقطه و ویرگول متن را سرچایش می‌گذارد؟ ترتیب یک دستی فعل و فاعل را می‌دهد؟ اشتباهات زمانی و مکانی متن را برطرف می‌کند؟ از لحاظ تاریخی و سندی، متن را ویراستاری می‌کند؟ واقعاً ویراستار چه کاره است؟ ویراستار چهل پنجره، در این متن در چه چیز دست برده است؟ اگر نویسنده که اتفاقاً نویسنده خوبی است، آفریننده این متن است، نام ویراستار چرا در شناسنامه اثر آمده است؟ و اگر زیبایی‌ها و یک‌دستی‌ها، به علاوه بی‌عیب و نقص بودن متن، کار ویراستار است، چرا باید صفحاتی را به نثر کتاب اختصاص داد و شاهد مثال آورد که بله، نویسنده خوب از عهده نثر کتاب برآمده است؟ با تمام این‌ها، می‌توان گفت که نثر کتاب شاعرانه است. این هم چند شاهد: «بوی عطر گل محمدی توی کوچه پیچیده بود.» و «خانه‌ها در خواب و کوچه‌ها خواب‌آلود بودند.»

...

یک:

نگارش زندگی‌نامه بزرگان، مدتی است که بازار خوبی پیدا کرده. انتشارات مدرسه، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی و... به صورت سری، سفارش زندگی‌نامه‌نویسی داده، دست به انتشار آنها می‌زنند. ناشران این‌گونه آثار، با همه دقتی که در انتخاب بزرگان دارند، متأسفانه درباره نویسندگان این آثار، دقت لازم را مبذول نمی‌کنند و به همین دلیل است که بسیاری از این زندگی‌نامه‌ها، چندان که باید و شاید، خواندنی و ماندنی نیست. یکی از مشکلات این‌گونه آثار، اجبار نویسنده در گنجانیدن تاریخ‌ها و روایات تاریخی، در لابه‌لای صحبت شخصیت‌های داستان است که به عنوان مثال، نرگس آیار، نویسنده خوب کودک که در حیطه بزرگسال نیز داستان‌های خوبی از او خوانده‌ایم، در «عروس آسمان» که زندگی‌نامه «رابعه عدویه» است، متأسفانه، به ورطه تاریخ‌نگاری غلتیده است. درباره برخی از این شخصیت‌ها، اطلاعات جامع و مانعی در دست نیست و نویسنده براساس مدارک محدودی که تهیه می‌کند، دست به نوشتن داستانی می‌زند که چندان با حقیقت منطبق نیست و این‌گونه آثار، این سؤال جدی را به ذهن مخاطب متبادر می‌سازد که اصولاً چه نیازی به استفاده ابزاری از بزرگان دین، علم، فلسفه، هنر و غیره است؟

در این میان، نوشتن درباره معصومین که اتفاقاً بازار بسیاری داغی نیز دارد، در صدر قرار دارد. ناشران فراوانی دست به انتشار داستان‌هایی درباره انبیا و معصومین می‌زنند. با مراجعه به کتاب فروشی‌ها می‌توانید ده‌ها نمونه زندگی‌نامه چهارده جلدی معصومین را خریداری کنید و مطمئن باشید که تقریباً همه آن‌ها از روی یکدیگر نوشته شده‌اند. نوشتن درباره معصومین، به دلیل حرمت



اول آن که در فرمی زیبا،
با تلفیق امروز و دیروز،
هم از زندگی امام هشتم
داستان‌هایی را نقل کرده،
هم از اعتقاد مردم به آن حضرت
و فضای بارگاه ایشان
تصاویر زیبایی آورده است.

و اضافه کرد که مطمئناً خوبی‌های نثر کتاب به نویسنده برمی‌گردد، نه به ویراستار.

سه:

«چهل پنجره»، به واقع بیست و سه پنجره بیشتر ندارد، اما به لحاظ ارزشی، از چهل تا هم بیشتر است. پنجره‌های اول، سوم، پنجم، هشتم، دهم، یازدهم، چهاردهم، شانزدهم، نوزدهم و بیست و سوم که راوی آن نقره است، در زمان حال اتفاق می‌افتد و شرح ایامی است که نقره و خانواده‌اش بهر شفا گرفتن نقره، در مشهد به سر می‌برند و در بقیه فصول که از زاویه دید

سوم شخص نقل می‌شود، به زندگی و حکایاتی از زندگانی هشتمین امام معصوم (ع) پرداخته می‌شود که در این فصول نیز، نقره حضوری مداوم دارد.

چهار:

نویسنده «چهل پنجره» با یک تیر دو نشان زده است. «چهل پنجره»، در واقع دو روایت است، اما نویسنده کوشیده است با پرهیز از نوشتن داستانی یکدست که در زمان امام رضا (ع) اتفاق افتاده باشد و هم‌چنین نوشتن داستانی که شرح مسافرت، اقامت و شفا گرفتن نقره باشد، از تلفیق این دو روایت، داستانی جذاب و خواندنی بیافریند که البته موفق هم بوده است. اگرچه این نوع روایت کردن، آن را از داستان‌های دیگری که درباره ائمه یا شفا گرفتن و ارتباط معنوی با آن‌ها نوشته شده، متمایز می‌کند، نویسنده در واقع ساده‌ترین راه ممکن را برگزیده است. او با استفاده از عنصر بیماری نقره و اعتقاد پدر و مادرش به امام رضا (ع)، توانسته فضایی مناسب به وجود بیاورد، اما به این دلیل که این کتاب قرار بوده زندگانی امام هشتم را به تصویر بکشد، نویسنده با به وجود آوردن تمهیدی مانند مطالعه کتاب توسط نقره، حکایات و روایاتی از زندگی امام رضا (ع) را نیز در لابه‌لای فصل‌های داستان اصلی گنجانده است که باید اذعان داشت از تکنیکی بسیار خوب سود جسته و این داستان‌ها جزو معتبرترین و خواندنی‌ترین حکایات‌های زندگانی امام رضا (ع) به شمار می‌آیند.

پنج:

«چهل پنجره» چند مزیت عمده دارد. اول آن که در فرمی زیبا، با تلفیق امروز و دیروز، هم از زندگی امام

هشتم داستان‌هایی را نقل کرده، هم از اعتقاد مردم به آن حضرت و فضای بارگاه ایشان تصاویر زیبایی آورده است. دوم این که نثر کتاب زیبا و یک‌دست است. ساختار جمله‌بندی نیز بسیار مناسب است. کلمه‌ها و جملات پشت سر هم و در فرم خود، بسیار به جا نشسته‌اند. سوم آن که حوادث و شخصیت‌های داستان بسیار واقعی‌اند، رفتار و گفتارشان کاملاً با تیپ آن‌ها تناسب دارد و برخلاف بسیاری از شخصیت‌های خلق شده در داستان‌های مذهبی، آدم‌های از آسمان فرود آمده‌ای نیستند.

اما مهم‌ترین مزیت این کتاب که آن را بسیار تأثیرگذار کرده، صحنه‌پردازی‌های آن است. «خودم دیگر بلد شده‌ام. کنار پنجره فولاد که نشستیم یک سر پارچه سبز را به پنجره بستیم و یک سرش را به دستم». «خانه‌ها در خواب و کوچ‌ها خواب‌آلود بودند. خواب خانه‌ای با صدای آهسته پای رهگذری می‌پرید. سپس پشت پنجره صورت زنی یا چهره پیرمردی یا چشم منتظر کودکی پیدا می‌شود که قدم‌های رهگذری را می‌پاید تا رهگذر، مثل همیشه در خانه‌شان را بزند.» شاید بتوان همه کتاب، به خصوص پنجره‌های مربوط به زندگی امام رضا (ع) را به عنوان شاهد مدعا ذکر کرد که در این میان پنجره‌های هجدهم و بیستم که حکایت بحث امام رضا (ع) با بزرگان ادیان دیگر است، از برجسته‌ترین و غرور آمیزترین پنجره‌های این کتاب محسوب می‌شود.

